

بازپژوهی بهشت و جهنم کنونی با تأکید بر تفاسیر فریقین*

□ الهه عبدالعلی نژاد**

□ نسیم سادات مرتضوی***

چکیده

از مهم‌ترین گزاره‌های نشئه آخرت، وجود بهشت و جهنم است که عاقبت‌اندیشان و نگون‌بختان با دریافت صحیفه نیک بختی و بدبختی خویش در منزلگاه حقیقی خود مأوا می‌گیرند. پژوهش پیش‌رو تلاشی است که به روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده و درصدد رصد حقیقی وجود این دو حقیقت مهم می‌باشد تا با تبیین و تحلیل گزاره‌های نقلی که نظریاتی پیرامون آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته، بپردازد و از این رهگذر به تبیین خلقت بهشت و جهنم کنونی از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت دست یابد؛ در این باز پژوهی به نظرگاه‌های متفاوتی دست‌یافته که از نوآوری‌های این تحقیق شمرده شده و پرده از حقیقتی مهم مکشوف ساخته و آن این‌که چه‌بسا بهشت و جهنم کنونی، نازل منزله بهشت و جهنم موعود باشد و مراتب مختلف بهشت و جهنم دنیوی، برزخی و اخروی را می‌توان در پرتوآیات و روایات ترسیم کرد و در نگره دوم که ناظر به وجود علمی و عینی موجودات در عالم است؛ بیانگر آن است که تمام احوالات بهشت و جهنم، افراد، نعمت‌ها و نعمت‌ها، علمش نزد خداوند موجود و هر زمان اراده کند وجود علمی آن دو را به وجود عینی تبدیل می‌کند تا با تمثل بهشت و جهنم کنونی، تصویرسازی درخور اعتنا نسبت به منزلگاه اخروی ارائه گردد. کلیدواژه‌ها: بهشت، جهنم، خلقت کنونی، وجود علمی، وجود عینی.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۸/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵.

** مدرس حوزه و دانشگاه سیستان و بلوچستان (abdolali479@gmail.com).

*** مدرس حوزه و دانشگاه شهید باهنر کرمان (nasim.mortazavi2012@gmail.com).

مقدمه

تأمل در مورد حقیقت دارالقرار که اکنون دیوار بلند دنیا و حجاب مرتفع طبیعت مانع از دیدگان نوع بشر است، ما را متذکر عالم بقایی می‌کند که آگاهی از بهشت و جهنم کنونی از گزاره‌های حقیقی آن است. مسئله وجود بهشت و جهنم کنونی از اعتقادات کلامی و حقایق مهم نشئه آخرت است که از زمان‌های دیرینه، مطرح شده، در حالی که جنبه کلامی و عقیدتی دارد، بحث تفسیری و قرآنی نیز می‌باشد؛ در قرآن کریم، آیات متعددی دال بر تصویرگری بهشت و جهنم کنونی وجود دارد که پژوهشگران را به دنبال واکاوی از حقیقت و ویژگی‌های آن دو می‌کشاند؛ البته شواهد روایی فراوانی نیز مؤید آن است... براین اساس پژوهش‌های متفاوتی در این زمینه صورت گرفته است که از جمله آنان می‌توان: «تصویرپردازی هنری آیات بهشت و جهنم در قرآن کریم» از رسول بلاوی و... «خلود جهنمیان و بهشتیان از منظر ملاصدرا و علامه طباطبایی» از محمدکاظم میر حسینی و... «تفاوت بهشت» طایفه السابقون «با بهشت» اصحاب الیمین «بر اساس واژگان آیات» از اعظم نورگستری و... را نام برد و کتاب «معاد در قرآن» آیت‌الله جوادی آملی به این بحث پرداخته است ولی مقاله‌ای با این عنوان و با نوآوری و نظریات جدیدی که در این پژوهش به آن پرداخته شده، یافت نگردید. در تلاش پیش رو، دیدگاه تفاسیر فریقین را در مورد بهشت و جهنم کنونی مورد بررسی قرار داده و شواهد قرآنی و روایی آن را مورد تأملات پژوهشی قرار می‌دهد.

نظریات پیرامون وجود بهشت و جهنم کنونی

با مراجعه به کتب کلامی و تفسیری روشن می‌شود که اکثریت دانشمندان اسلامی وجود کنونی آن را پذیرفته و معتقدند بهشت و جهنم با قدرت لایزال الهی هم‌اکنون آفریده شده‌اند. سه نظریه درباره آفرینش کنونی بهشت و دوزخ در میان متکلمان اسلامی و مفسران وجود دارد که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱. بهشت و دوزخ هم‌اکنون آفریده شده‌اند و اکثریت مسلمانان این نظریه را پذیرفته‌اند و

حق هم همین است که تعدادی از آیات صریح هم بر آن دلالت می‌کنند.

۲. آفرینش هر دو در شرایط کنونی امری است ممکن ولی دلیل بر تحقق فعلی آن در دست نیست و این نظریه مربوط به معتزله و خوارج و گروهی از زیدیه است.

۳. آفرینش بهشت و دوزخ در وضع کنونی امری غیرممکن است و این نظریه مربوط به «ابوهاشم» و «قاضی عبدالجبار» می‌باشد. و اگر «ابوهاشم» می‌گوید آفرینش کنونی آن‌ها محال است، مقصود او محال بالغیر و یا به اصطلاح محال وقوعی است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۴ و ۱۲۰).

دلایل وجود بهشت و جهنم کنونی

علت اختلاف متکلمین و مفسرین در این زمینه چه بسا مواجه شدن با سه دسته آیات است:

دسته اول: آیاتی که فی‌الجمله ظهور در وجود بهشت و جهنم کنونی دارند

۱. آیاتی که بحث إحاطه جهنم را مطرح می‌کنند؛ نظیر:
- «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ اَنْذَنْ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه: ۴۹).
- «يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (عنکبوت: ۵۴).
۲. آیاتی که مربوط به معراج حضرت رسول ﷺ است؛ مثل:
- «وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى، عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» (نجم: ۱۳-۱۵).
۳. آیاتی که بیانگر کلماتی است نظیر أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ؛ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ و.... که چه بسا خلقت کنونی بهشت از آن استفاده می‌شود؛ از جمله:
- «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَبُرُزَّتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ» (شعرا: ۹۰ و ۹۱).
- «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۱۳).

دسته دوم: آیاتی که ظهور در وجود بهشت و جهنم کنونی دارند

- «و بُرِزَتِ الْحَجِیمُ لِمَنْ یَرِی» (نازعات: ۳۶).
- «وَ جِیءَ یَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ یَوْمَئِذٍ یَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرُ» (فجر: ۲۳).
- «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقِینِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِیمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عِینَ الْیَقِینِ» (تكاثر: ۵-۷).

دسته سوم: آیاتی که بر برپایی قیامت و بهشت و جهنم با شرایط خاصی دلالت دارند

از جمله این آیات:

- «یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَیْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبُرُزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراہیم: ۴۸).
- «یَوْمَ نَطْوِی السَّمَاءَ كَطِی السَّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِیدُهُ وَعَدًا عَلَیْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِینَ» (انبیاء: ۱۰۴).

جمع بین این سه دسته آیات، نزد برخی مشکل شده و معرکه آرا گردیده است. این نوشتار درصدد تبیین دیدگاه برگزیده و کشف وجه جمع مناسب بین این آیات بوده و با توجه به این که این مسئله بیشتر جنبه نقلی دارد، بایستی از آیات، حکم آن را استنباط نمود؛ از این رو دلالت تعدادی از آیات را که بیشتر محل بحث می باشند در برخی از تفاسیر شیعه و سنی بررسی کرده تا از این رهگذر دیدگاه راجح که شواهد بیشتری در تأیید آن وجود دارد، روشن گردد.

۱-۱. آیاتی که بحث إحاطه جهنم را مطرح می کنند:

- «و مِنْهُمْ مَنْ یَقُولُ ائْتِنِ لِی وَ لَا تَفْتِنِی أَلَا فِی الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةٌ بِالْكَافِرِینَ» (توبه: ۴۹).

- «یَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةٌ بِالْكَافِرِینَ» (عنکبوت: ۵۴).

مفسران در تفسیر جمله «و إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةٌ بِالْكَافِرِینَ» گفتگوهای مختلفی دارند؛ سه دیدگاه عمده در این رابطه به چشم می خورد:

دیدگاه اول: این جمله کنایه از آن است که عوامل و اسباب ورود به جهنم یعنی گناهان

آن‌ها را احاطه کرده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱؛ رشید رضا، ۱۴۱۴: ۱۰/ ۴۷۸).

دیدگاه دوم: این جمله از قبیل حوادث حتمی آینده است که به صورت ماضی یا حال بیان می‌شود، یعنی به طور قطع در آینده، جهنم آن‌ها را در بر خواهد گرفت (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/ ۲۶۱؛ طبرسی، بی‌تا، ۱۱/ ۱۱۵).

دیدگاه سوم: این که جمله را به معنای حقیقی‌اش تفسیر کنیم و بگوییم هم‌اکنون جهنم موجود است.

در تبیین دیدگاه سوم باید اذعان داشت که جهنم هم‌اکنون موجود است و در باطن و درون این جهان قرار دارد و آن‌ها در میان جهنم هستند، اگرچه هنوز فرمان تأثیر کردن آن صادر نشده است، همان‌گونه که بهشت نیز هم‌اکنون وجود دارد و در باطن و درون این جهان همه را احاطه کرده است؛ منتها بهشتیان چون تناسب با بهشت دارند با آن مرتبط خواهند بود و دوزخیان چون متناسب با دوزخ‌اند با دوزخ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷/ ۴۳۷) و در ذیل آیه ۵۴ سوره عنکبوت آمده است: اگر عذاب دنیا تأخیر بیفتد عذاب آخرت صد درصد قطعی است آن‌چنان مسلم است که قرآن به صورت یک امر فعلی از آن یاد می‌کند و می‌گوید جهنم گویی هم‌اکنون آن‌ها را احاطه کرده است. البته برخی این آیه را با توجه به آیه بعد از آن دلالت بر دوزخ کنونی نمی‌دانند (جوادی آملی، ۲۳۷/ ۵) البته آیه در (توبه آیه ۴۹) به طور مطلق و بدون اینکه ذکر قیامت همراه آن باشد جریان احاطه دوزخ نسبت به کافران مطرح شده؛ زیرا در آن چنین آمده است: «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» که با آیه ۵۴ عنکبوت از سنخ مثبتان می‌باشد، لذا مجالی برای تقیید یکی به وسیله دیگری نیست؛ چون هیچ تعاندی بین مطلق و مقید وجود ندارد تا یکی مقید دیگری شود (همان).

از دیدگاه برخی مفسرین اهل سنت عبارت «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» تمثیل است؛ برای اینکه کافران را در احاطه اسباب آتش، تشبیه کرده به حال کسانی که آتش آن‌ها را احاطه کرده است و اینکه اعمال کافران در عین آن آتش است ولی در این نشأه به صورت عمل ظاهر می‌شود و به صورت آتش در نشئه دیگر ظهور می‌یابد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵/ ۳۰۴). الوسی

ذیل آیه ۵۴ سوره عنکبوت جمله إِنَّ جَهَنَّمَ ... را در موضع حال می‌داند؛ یعنی از تو درخواست عذاب می‌کنند و حال آنکه محل عذابی که هیچ عذابی فوق آن نیست، آن‌ها را احاطه کرده است. (همان: ۱۰/۱۱) کلام طبری نیز با دیدگاه آلوسی هم‌نواست (طبری، ۱۴۱۲: ۷/۲۱).

۱-۲. آیاتی که مربوط به معراج حضرت رسول ﷺ است؛ مثل:

«وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزَّلَةً أُخْرَى، عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» (نجم، آیه ۱۳-۱۵)

در اینکه «جنه الماوی» کدام بهشت است؟ در میان مفسران فریقین اختلاف نظر است؛ سه دیدگاه عمده در این میان وجود دارد:

دیدگاه اول: بعضی آن را همان بهشت جاویدان (جنة الخلد) می‌دانند که در انتظار تمام اهل ایمان و پرهیزگاران است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۰/۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲/۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۲۶۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۰۷/۲۷)؛ یعنی بهشتی که مؤمنین برای همیشه در آن منزل می‌کنند، چون بهشت دیگری هست موقت، و آن بهشت برزخ است که مدتش تا روز قیامت تمام می‌شود، و «جنت مأوی» بعد از قیامت است. هم‌چنان‌که فرموده: «فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، و نیز فرموده: «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى ... فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى» و این جنت الماوی به‌طوری‌که آیه ۲۲ سوره ذاریات دلالت می‌کرد، در آسمان واقع است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲/۱۹) علامه طباطبایی ذیل آیه اول سوره اسراء در تبیین روحانی بودن معراج حضرت رسول ﷺ می‌نویسد: مقصود از روحانی بودن آن این است که روح مقدس آن جناب به ماورای این عالم مادی یعنی آنجایی که ملائکه مکرمین منزل دارند و اعمال بندگان بدانجا منتهی و اقدار از آنجا صادر می‌شود عروج نموده و آن آیات کبرای پروردگارش را مشاهده و حقایق اشیاء و نتایج اعمال برایش مجسم شده، (تمثلت له حقائق الأشیاء و نتائج الأعمال) ارواح انبیای عظام را ملاقات و با آنان گفتگو کرده است، ملائکه کرام را دیده و با آنان صحبت نموده است. (همان: ۳۳/۱۳)

طبرسی قایل است این بهشت همان بهشت جاویدان است که در آسمان هفتم و به قولی در آسمان ششم می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۲۶۵) به عبارتی همان بهشت شناخته‌شده‌ای

است که مأوای متقین است، همانا بهشت منتهی مراتب ارتقاء ارواح زکیه است. ایشان در ادامه برای تأیید مطلب خود به حدیث اسراء (معراج) استناد می‌کند که در این حدیث بعد از ذکر سدرۃ‌المنتهی آمده است: «ثم أدخلت الجنة» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷/۱۰۷).

دیدگاه دوم: برخی آن را به‌جایگاه ویژه‌ای از بهشت تفسیر کرده‌اند که در کنار «سدرۃ‌المنتهی» است و محل خاصان و مخلصان و شهدا است. برای مثال برخی از مفسرین اهل سنت قائل‌اند که بهشت شهدا است. و در این رابطه بر روایات تأکید کرده است «حدثنی محمد بن سعد،... عن ابن عباس، قوله: عندها جنة المأوى قال: هي يمين العرش، وهي منزل الشهداء. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۷/۳۳)

دیدگاه سوم: برخی گفته‌اند به معنای بهشت برزخی است که ارواح شهدا و مؤمنان موقتاً به آنجا می‌روند.

صاحب تفسیر نمونه، تفسیر اخیر را از همه مناسب‌تر میداندار تبیین این مسئله یادآور می‌شود که از اموری که به‌روشنی بر صدق آن گواهی می‌دهد این است که در بسیاری از روایات معراج آمده است که پیغمبر ﷺ عده‌ای را در این بهشت متنعم دید، درحالی‌که می‌دانیم کسی در بهشت جاویدان قبل از روز قیامت وارد نمی‌شود، زیرا آیات قرآن به‌خوبی دلالت دارد که پرهیزگاران در قیامت بعد از محاسبه، وارد بهشت می‌شوند، نه بلافاصله بعد از مرگ، و ارواح شهدا نیز در بهشت برزخی قرار دارند، زیرا آن‌ها نیز قبل از قیام قیامت وارد بهشت جاویدان نمی‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲/۴۹۹) و روایات بسیار زیادی در این باب مؤید کلام ماست که علم قطعی به خلقت کنونی بهشت و جهنم از آن‌ها حاصل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۵/۲۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۱۵۶-۲۲۰) که به دلیل ضیق مجال به یک نمونه بسنده می‌کنیم: پیامبر ﷺ فرمود: «در شب معراج وقتی داخل بهشت شدم درختی را دیدم از نور که زیر آن درخت فرشتگان مشغول دسته‌بندی زیورآلات و حله‌های بهشتی تا روز قیامت بودند. از جبرئیل پرسیدم این درخت از کیست؟ گفت: از آن برادرت علی بن ابی‌طالب است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۱۸۹).

از آیات و روایات مذکور به روشنی استفاده می شود که بهشت هم اکنون وجود خارجی دارد زیرا اگر بهشت خلق نشده بود، نشان دادن بهشت خارج از فصاحت و بلاغت بود. ۳-۱. آیاتی که بیانگر کلماتی نظیر *أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ*؛ *أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ* و.... می باشند که

چه بسا خلقت کنونی بهشت از آن ها استفاده می شود؛ از جمله:

۱. «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ» (شعرا، آیه ۹۰ و ۹۱).

کلمه «ازلفت» از مصدر «إزلاف»، به معنای نزدیک کردن و کلمه «برزت» را از «تبریز» مصدر باب تفعیل به معنای اظهار می باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/ ۲۹۰) برخی این بهشت را فضل الهی معرفی نموده که قبل از روز قیامت خلق شده است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۶۶/۲۲). از این عبارات این نکته قابل برداشت است که بهشت هم اکنون است ولی ما از آن دور هستیم و نمی توانیم آن را مشاهده کنیم.

۲. «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۳۳).

تعداد زیادی از مفسرین اعم از شیعه و سنی، عبارت «*أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ*» در آیه فوق را دال بر خلقت کنونی بهشت و جهنم دانسته اند که در ذیل به برخی آن ها اشاره می کنیم: عبارت «*أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ*» گویای این مطلب است که بهشت برای متقین آماده شده است و در این عبارت دلیلی است بر اینکه بهشت مخلوق است و از این عالم خارج است (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۴/ ۱۳۲).

برخی متذکر فعلیت وجودی بهشت به حسب آیه نجم و آنچه شبیه آن است، شده اند؛ همان طور که «صالحات» در بهشت هستند، «طالحات» در آتش اند؛ که این بهشت و آتش برای ثواب و عذاب آن ها فراهم شده اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۵/ ۳۸۵).

طبرسی جمله «*أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ*» را دال بر وجود بهشت کنونی می داند، زیرا بهشت مهیا نمی گردد مگر این که آفریده شده باشد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/ ۲۰۴). آلوسی نیز ظاهر آیه را موافق با خلقت کنونی بهشت بیان می دارد؛ چنان که فعل ماضی بر آن دلالت دارد و قرار دادن آن از

باب «وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ» (کهف: ۹۹؛ یس: ۵۱؛ زمر: ۶۸؛ ق: ۲۰) است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۷۲) و در این مسئله فخر رازی با اوهم نوا و هم بیان است (رازی، ۱۴۲۰: ۹/ ۳۶۶).

هرچند کلام برخی مفسرین اهل سنت صراحتاً ادعای ما را به اثبات نمی‌رساند، ولی شاید به دلالت التزامی بتوان چنین نتیجه‌ای را حاصل کلام آنان دانست. مانند طبری که عبارت «أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»؛ را به معنای بهشتی که عرضش مانند عرض سموات و ارضین سبع هست و خداوند آن را برای متقین آماده کرده؛ بیان داشته است... (طبری، ۱۴۱۲: ۴/ ۶۰) و یا ابن کثیر آورده است: خداوند متعال فرمود: «و سارعوا إلى مغفرة من ربكم و جنة عرضها السماوات و الأرض أعدت للمتقين» (آل عمران: ۱۱۳) یعنی همان‌طور که آتش برای کافران فراهم شده است و این آیه مانند قول خداوند در آیه ۲۱ سوره حدید است «سابقوا إلى مغفرة من ربكم و جنة عرضها كعرض السماء و الأرض». وی روایتی را از مسند احمد بن حنبل می‌آورد که «هرقل» در آن نامه‌ای می‌نویسد به نبی ﷺ بدین مضمون: که شما مرا به بهشتی که عرضش آسمان‌ها و زمین است دعوت می‌کنی، پس آتش کجاست؟ پس نبی ﷺ می‌فرماید: «سبحان الله فأین اللیل إذا جاء النهار؟»؛ سبحان الله وقتی روز می‌آید، پس شب کجاست؟ (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/ ۱۰۲) و نیز بیضاوی، در تفسیر «أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» می‌نویسد: یعنی بهشت برای متقین آماده شده، و در این عبارت دلیلی است بر اینکه بهشت مخلوق است و خارج از این عالم است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲/ ۳۸).

آیاتی که ظهور در وجود بهشت و جهنم کنونی دارند:

از برخی آیات قرآن نیز استفاده می‌شود که بهشت و جهنم هم‌اکنون خلق شده‌اند و وجود خارجی دارند نه این‌که بعد از بر پا شدن قیامت خلق خواهند شد؛ از جمله:

- «و بُرِزَتِ الْحَجِيمِ لِمَنْ يَرَى» و دوزخ برای بینندگان آشکار شود (نازعات: ۳۶)؛ یعنی این‌که آن روز جهنم را نشان می‌دهند؛ و این دلیل بر این است که الان جهنم مستتر و پنهان است نه اینکه معدوم باشد.

- «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى» (فجر: ۲۳).

جهنم آورده شود و همان روز انسان یادآور شود و کجاست برای او یادآوری؛ مفاد آیه این است که هم اکنون جهنم هست؛ زیرا جهنم در آن روز آورده می شود نه اینکه خلق می شود و عبارت «جیء» دلیل ادعای ماست.

- «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» (نکاتر: ۵-۷).
«چنین نیست، اگر شما علم یقین داشتید قطعاً شما جهنم را خواهید دید و سپس به چشم یقین می بینید.»

آیه گواه است بر این که صاحبان علم یقین در همین دنیا دوزخ را مشاهده می کنند، پس اگر دوزخ هم اکنون خلق نشده بود و آفریده نشده بود دیدنی نبود، پس معلوم می شود که جهنم همین الان هست لکن ما نمی توانیم آن را ببینیم (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۵/ ۲۳۸) روایت رسول اکرم دلیلی بر مدعای ماست. حارثه بن مالک بن نعمان انصاری خدمت رسول اکرم ﷺ عرض کرد: «گویی هم اکنون اهل بهشت را می بینم که به دیدار یکدیگر می روند و فریاد اهل دوزخ را در آتش جهنم می شنوم. پیامبر ﷺ فرمود: «این بنده ای است که خدا دلش را به نور ایمان منور ساخته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۵۴).

وجه جمع بین آیات

دیدگاه های مفسران فریقین پیرامون خلقت بهشت و جهنم کنونی مورد بازنگری قرار گرفت؛ اما شاید بتوان دیدگاه های متفاوت دیگری در پرتو آیات مورد توجه قرار داد تا وجه جمع آیات مورد نظر باشد.

نگرهای اول

بهشت و جهنم کنونی، نازل منزله بهشت و جهنم موعود است؛ یعنی بهشت و جهنم کنونی، همان خصوصیات بهشت و جهنم موعود را دارد؛ از جهت نعمات و نقمات، ولی در رتبه پایین تری داراست. به عبارت دیگر می توان اذعان داشت که همان گونه که دنیا محفوف به

نعمت‌ها و نعمت‌ها است در عالم دنیا بهشت و جهنم دنیوی را می‌توان تجربه کرد، در برزخ هم در مرتبه بالاتری این بهشت و جهنم مشهود است همان‌طور که آیاتی که در ذیل می‌آوریم، ادعای ما را به اثبات می‌رساند و به همین ترتیب در مرتبه عالی‌تری در قیامت با بهشت و جهنم اخروی روبه‌رو هستیم. لذا می‌توان با نگاهی نو، این مسئله را واکاوی کرد که در هر عالم با توجه به مرتبه وجودی آن عالم، بهشت و جهنم حقیقی را می‌توان صورت‌گیری نمود. برای مثال جهنم دنیا بر اثر شرک و آلودگی به گناه فراهم می‌شود لذا کافران در جهنمی که خود فراهم کرده‌اند می‌سوزند، جهنم جنگ و خون‌ریزی، جهنم نزاع و اختلاف، جهنم ناامنی و ناآرامی، جهنم ظلم و بیدادگری، و جهنم هوی و هوس‌های سرکش (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۲۲/۱۶).

شواهد وجه جمع اول

شاهد اول:

با دقت در آیه ۲۵ بقره «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» و تفاسیر ذیل آن‌ها و توجه به کلمه «من قبل» انگاره‌ای از میوه‌های دنیوی نزد بهشتیان ترسیم می‌شود که یادآور نعم الهی در دنیا بوده است (طبرسی، بی‌تا: ۹۹/۱). هرچند دارای طعم جدید و لذات عالی می‌باشد و در هر بار تناول از طعم متفاوتی برخوردار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴۰/۱). بنابراین این سخن بهشتیان «هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» که کلمه «قبل» را به کار می‌برند خبر از وجود بهشتی با اوصاف دنیوی و مادی می‌دهد که در مرتبه نازل‌تری در عالم دنیا ترسیم شده است که قبلاً از این میوه‌ها در دنیا متنعم شده‌اند همان‌طور که طبق برخی تفاسیر، حضرت آدم از بهشت متنعم دنیوی هبوط کرد (همان: ۲۲۴).

شاهد دوم:

آیه «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس: ۲۶) شاهد دیگری بر سخن ماست زیرا خطاب در این آیه به رجل است و نمایانگر آن است که مردم قریه آن مرد را کشتند و خدای تعالی از ساحت عزتش به وی خطاب

کرد که در بهشت داخل شود. و مؤید این احتمال جمله بعد است که می‌فرماید: «وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ»، زیرا بین کشته شدن آن مرد به دست مردم قریه، و ما بین امر به داخل شدنش در بهشت، فاصله چندانی نبوده، آن قدر این دو به هم متصل بودند که گویی بین کشته شدنش و رسیدن دستور به دخول در بهشت این همانی برقرار است، بنابراین مراد از «جنت» بهشت برزخ است نه بهشت آخرت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۱۱۵) و گفتار برخی مفسرین دال بر بهشت اخروی را سندی بدون وجه می‌داند (همان، آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲/۲۲۸).

شاهد سوم:

«وَالنَّارُ يَرْضُونَهَا عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يُؤَمُّ السَّاعَةُ أَذْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر: ۴۶). تصویری از جهنم برزخی را رونمایی می‌کند؛ زیرا عرضه آنان بر آتش قبل از روز قیامت است که در آن روز دوزخیان را داخل دوزخ می‌کنند. پس عرضه کردن آل فرعون بر آتش، در عالمی قبل از عالم قیامت صورت می‌گیرد، و آن عالم برزخ است و شکنجه در برزخ با شکنجه در قیامت به وسیله یک چیز صورت می‌گیرد و آن هم آتش است، ولی اهل برزخ از دور از آتش رنج می‌برند، و اهل قیامت در داخل آن قرار می‌گیرند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۵۰۸). به عبارتی آتشی را صبح و شام بر آن‌ها عرضه می‌دارند که همان آتش برزخی است و ادامه آیه به روز اقامه ساعت اشاره می‌کند که اشد عذاب دامن گیر آنان می‌شود که همان آتش قیامت است و نمونه‌های بهشت و جهنم اخروی که مبرهن است.

شاهد چهارم:

آیه «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» با جمله «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه: ۴۹). تقریباً معنای واحدی را می‌رسانند، و آن این است که این مردم منافق هم در دنیا و هم در آخرت در فتنه و هلاکت ابدی قرار دارند. ممکن هم هست از جمله «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» استفاده کرد که جهنم فعلاً نیز محیط به کفار است، نه در آینده، آیات داله بر تجسم اعمال هم این معنا را می‌رساند (طباطبایی ۱۳۹۰: ۹/۳۰۵ و ۳۰۶). از مطالب غریب است که کفار در عذاب خودشان تعجیل می‌کنند؛ در حالی که به واسطه کفرشان، جهنم عذاب در خودشان هست «وَ

إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»؛ در همین دنیا عذاب، ایشان را در برگرفته و سپس جهنم، عذاب روز قیامت برایشان آشکار می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۹۳/۲۳).

مفسرانی چون علامه جوادی آیات و روایاتی را بر خلقت کنونی بهشت و جهنم شاهد مدعای خود آورده و متذکر می‌شود مانعی ندارد که بهشت و جهنم را همراه دنیا، قبل از دنیا و بعد از دنیا موجود دانست و ادله نقلی، تمثیل بهشت و جهنم یا ظهور آن دورا در زمین خاص و زمان مخصوص ارائه می‌کند و چون وجود مثالی از سنخ وجود طبیعی نیست، بلکه در طول آن است لذا جریان تداخل اجرام، تراحم اجسام، تمناع ابعاد و مانند آن مطرح نخواهد شد، بنابراین برای بهشت مکانی که با جهان ماده مزاحم باشد، تراحمی نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۲۳۵/۵-۲۴۸؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۲/۲۳۷).

بنابراین با بررسی آیات می‌توان به خلقت بهشت و جهنم در سه عالم موجود اذعان داشت و نعمت و نعمت‌ها و لذات و شهوات و عذاب‌ها و سختی‌ها و شداید را در مراتب مختلف و در سیر صعودی از عالم دنیا به عالم برزخ و از آنجا به عالم آخرت جست‌وجو کرد. و روایات نیز در این مسئله دلیل ادعای ماست (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۱۵۶-۲۲۰).

نگره دوم

اصل مسلم فلسفی که حداقل مورد اتفاق مشائین و حکمای متأله است، تقدم علم حق بر ایجاد موجودات امکانی است؛ چراکه در قیاس واجب به ممکن همچنان‌که در حوزه افعال ممکنات هر فعلی متوقف بر تصور آن در ذهن فاعل است و بدون صورت علمی، هرگز وجودی عینی تحقق نمی‌یابد؛ در مورد خداوند متعال نیز، ایجاد مخلوقات توسط او متوقف بر علمش به آن‌هاست (طوسی، ۱۳۶۳: ۹؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴، الف ۱۹۲؛ همان، ۱۳۸۳: ۸۶؛ شیرازی، ۱۹۸۱: ۱۸۹/۶؛ همان، ۱۳۵۴: ۹۵).

بنابراین می‌توان گفت که تمامی موجودات، یک وجود علمی دارند و یک وجود عینی؛ وجود علمی همه موجودات از مبدأ تا معاد نزد خداوند هست؛ بنابراین تمام احوالات بهشت

و جهنم، افراد، نعمت‌ها و نعمت‌ها، علمش نزد خداوند هست و هر زمان اراده کند، به هر مقداری که مصلحت باشد یا اولیای الهی درخواست کنند، وجود علمی را به وجود عینی تبدیل می‌کند؛ بدین صورت که وجود علمی فعل ما الان در علم الهی ساخته می‌شود و آثارش هم بر آن مترتب می‌شود و تا زمانی که قیامت به طور کامل محقق می‌شود، این فعل ما در علم الهی محفوظ می‌ماند.

شواهد وجه جمع دوم

در آیات، شواهدی بر تبدیل شدن وجود علمی (مجرد) به وجود عینی (مادی) یافت می‌شود؛ آیات متعددی بیانگر این مطلب‌اند که عنایات و نعمت‌هایی از سوی خداوند برای برخی نازل شده که از جنس دنیایی نبوده است و در علم الهی محفوظ بوده ولی بر طبق اراده الهی در برخی از مننه و امصار عینیّت می‌یابند؛ نظیر: نزول منّ و سلوی برای قوم حضرت موسی علیه السلام، مانده آسمانی برای حواریون حضرت عیسی علیه السلام و رزق آسمانی برای حضرت مریم علیه السلام و تمثیل فرشته برای ایشان. لذا وجوه ارتباطی این آیات با بهشت و جهنم کنونی آن است که همان‌طور که برخی نعمت‌ها از جنس دنیوی نبوده و در علم الهی محفوظ بوده ولی در برخی از مننه این وجود علمی به وجود عینی تبدیل می‌گردد. جلوه‌هایی از آن بهشت علمی بنا بر اراده الهی به بهشت عینی برای برخی افراد مجسم می‌گردد که نمونه‌های ذیل مصداق‌هایی از آن موارد می‌باشد:

شاهد اول:

وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (بقره: ۵۷).
وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (اعراف: ۶۰).

شب مرغ بریان بر آن‌ها نازل می‌شد و داخل سفره‌هایشان می‌افتاد و چون می‌خوردند و سیر می‌شدند، و دنبالش آب می‌نوشیدند، آن مرغ‌ها دوباره پرواز می‌کردند، و می‌رفتند (قمی، ۱۳۶۳: ۴۸/۱). این تأویل گویای نمونه‌ای از نعمت‌هایی است که از جنس دنیوی نبوده و در

مرتبه‌ای از اراده و مشیت خداوندی در ظرف وجود علمی موجود است و در این زمان بنا بر اراده الهی نمونه‌ای از آن نعمت‌ها به عینیت می‌رسد.

شاهد دوم:

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَ آخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ وَ ارْزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (مائده: ۱۱۴).

مائده‌ای که بر بنی اسرائیل نازل شد با زنجیرهای طلایی از آسمان آویزان شد و مشتمل بود بر ۹ عدد ماهی و ۹ گرده نان. تأویل فوق نیز نمونه‌ای دیگر از تجسم نزولی نعم الهی است که از جنس دنیوی نبوده است و در عالم دنیا عینیت یافته است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۵۰). تجلی دیگری از عینیت بخشیدن به بهشت عینی است که در علم الهی محفوظ بوده است.

شاهد سوم:

«تَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أُنَبِّئُهَا نَبَأاً حَسَناً وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقاً قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۳۷).

کلمه رزق که بدون «ال» آمده دلالت بر غیر معهود بودن این رزق دارد و قانع شدن زکریا نبی از پاسخ مریم دال بر غیر معمول بودن این رزق می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۲۷۳) و در تفسیر قمی بیان شده: وقتی مریم به حد بلوغ رسید به محراب رفت، و پرده‌ای پیرامون خود افکند، به طوری که احدی او را نمی‌دید، و تنها زکریا بر او وارد می‌شد، و وقتی بر او وارد می‌گردید میوه‌های تابستانی را در زمستان، و زمستانی را در تابستان نزد او می‌دید، از او می‌پرسید: «این میوه‌ها از کجا برایت آماده شده» می‌فرمود: «از ناحیه خدای تعالی و خداوند به هر کس که بخواهد روزی بی‌شمار می‌دهد» (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۰۱) و این مثال تجلی دیگری را جلوه‌گری می‌کند.

شاهد چهارم:

«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ، إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَاماً قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ» (ذاریات: ۲۴-۲۵)

این آیات نیز بر تمثیل فرشتگان از غیب عالم دلالت دارند که به صورت انسان بر حضرت ابراهیم علیه السلام تجلی یافتند.

شاهد پنجم:

«قَالَ أَبُو بَصِيرٍ لِلْبَاقِرِ علیه السلام: «مَا أَكْثَرَ الْحَجِيجَ وَ أَعْظَمَ الصَّحِيجَ فَقَالَ بَلْ مَا أَكْثَرَ الصَّحِيجَ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجَ».

نشان دادن اندک بودن حاجیان توسط امام باقر علیه السلام به ابو بصیر؛ بیانگر این مطلب است که حقیقت وجودی تمامی موجودات الان هست؛ ولی برای همه قابل مشاهده نیست. خدا یا ولی خدا می توانند آن را قابل مشاهده کنند. به نقل امام صادق علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: میان خانه من و منبر من باغی از باغ های بهشت است گوید: گفتم: آیا هم اکنون موجود است؟ فرمود آری اگر پرده برداشته شود خواهید دید (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/ ۵۵۴). به عبارتی باغ بهشتی هم اکنون موجود است ولی برای همگان قابل مشاهده نیست.

لذا در پرتو آیات و روایات چه بسا بتوان، این بازنگری را در آثار مفسرین فریقین انجام داد.

نتیجه

خوانشی از مفاهیم قرآنی ما را به بایسته های حقیقی و واقعی رهنمون می سازد. پژوهش حاضر تلاشی است برای حل مسئله ای مهم پیرامون خلقت بهشت و جهنم که در راستای نگره مفسرین فریقین صورت گرفته است و با تحلیل و بازنگری در آثار آنان می توان به این نتیجه دست یافت که بهشت و جهنم هم اکنون موجودند ولی با ترسیم سازی گزاره های نقلی چه بسا بتوان به دیدگاهی متفاوت و نوآورانه دست یافت و آن اینکه بهشت و جهنم موجود در مرتبه نازل تری از بهشت و جهنم موعود است به عبارتی تصویرسازی بهشت و جهنم دنیوی و برزخی و اخروی در مراتب متفاوت حکایتگر کلام ماست و نیز علمی انگاشتن تمامی مخلوقات جهان در نزد خدا و به عینیت رساندن آن ها در زمان معلوم حاکی از بازنگری در تحلیل آیات و روایات پیرامون این مسئله به شمار می آید.

کتابنامه

-
- ابن عاشور، محمدطاهر، *تفسير التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشور*، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۰.
- ابن سینا، حسین، *الهیات دانشنامه علائی*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۳.
- _____، *التعلیقات*، بیروت، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسير القرآن العظيم* (ابن کثیر)، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسير القرآن العظيم والسبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۵.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل* (تفسير البيضاوی)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸.
- جعفری، یعقوب، *تفسير کوثر*، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶.
- جوادی آملی، عبدالله، *معاد در قرآن*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۵.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسير نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲.
- رضا، محمد رشید، *تفسير القرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۴.
- شیخ صدوق، *الخصال*، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- شیخ مفید، *أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، قم، ۱۴۱۳.
- شیرازی، صدرالدین، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار*، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۹۸۱.
- _____، *المبدا والمعاد*، تهران، انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۵۴.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسير القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسير القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات

۱۳۹۰.

_____ ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی،

۱۳۷۴.

طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، فراهانی، (بی تا)

_____ تفسیر جوامع الجامع، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲

_____ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو ۱۳۷۲.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفة

۱۴۱۲.

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران، مرتضوی ۱۳۷۵.

طوسی، نصیرالدین، تهران، تصورات، جامی، ۱۳۶۳.

عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰.

فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربی،

۱۴۲۰.

فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.

قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه ۱۳۷۱.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دار الکتب ۱۳۶۳.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، ۱۴۰۷.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.